



Jurisprudential Bases for Cultivating a Worshipful, Socially-Conscious, and Politically Engaged Culture of Ehsan

Meisam Shoaib ^{*1}, Ali Abdullahzadeh ²

1. Corresponding Author, Doctoral student of Fiqh and Islamic Law, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
Email: m.shoaib68@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: abdollahzadeh@um.ac.ir

Abstract

“Ehsan” as one of the central concepts in the Quran, has a deep connection with attributes such as piety, patience, perseverance, and jihad. These attributes, as the main pillars of Ehsan, play a fundamental role in strengthening and developing the culture of altruism, forgiveness, and responsibility in Islamic societies. This study examines the jurisprudential foundations of cultivating the cultural, social, and political aspects of “Ehsan.” By focusing on the Quranic verses and narratives related to the early Islamic period, an effort is made to elucidate the role of “Ehsan” in shaping Islamic culture. According to the findings of the study, in the worship aspect, “Ehsan” deepens the individual’s relationship with God, leading to more sincere and spiritual worship practices. This not only contributes to personal development but also enhances piety and spirituality in the entire society. In terms of social culture, Ehsan aids in strengthening justice, solidarity, and empathy among community members. These traits reduce conflicts and foster greater harmony within society. In the political sphere, “Ehsan” is proposed as a criterion for expanding social justice and responsibility in Islamic governance. “Ehsan” can serve as a comprehensive model to build a society based on justice, spirituality, and healthy social interactions. In the modern era, it is introduced as a solution to cultural and social challenges and an effective model for fostering positive changes in society, ultimately contributing to the realization of a balanced and sustainable community based on Islamic values.

Keywords: Ehsan, cultural cultivation in worship, social culture, political culture, Islamic jurisprudence.

Received: August 11, 2024
Revised: August 31, 2024
Accepted: October 8, 2024
Available Online: October 20, 2024

Article Type: Research Paper
Published by: Hazrat-e Masoumeh University
DOI: 10.22034/cjls.2024.2038189.1003

مبانی فقهی فرهنگ‌سازی عبادی، اجتماعی و سیاسی «احسان»

میثم شعیب*^۱، علی عبدالله زاده^۲

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران. رایانامه: m.shoab68@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه:

abdollahzadeh@um.ac.ir

چکیده

«احسان» به عنوان یکی از مفاهیم محوری در قرآن، با ویژگی‌هایی نظیر تقوا، صبر، استقامت و جهاد پیوندی عمیق دارد. این ویژگی‌ها به عنوان ارکان اصلی احسان، نقشی اساسی در تقویت و توسعه فرهنگ ایثار، گذشت و مسئولیت‌پذیری در جوامع اسلامی ایفا می‌کنند. در این پژوهش، به بررسی مبانی فقهی فرهنگ‌سازی عبادی، اجتماعی و سیاسی «احسان» پرداخته می‌شود. با تکیه بر آیات قرآن کریم و روایات مرتبط با دوره صدر اسلام، تلاش شده است تا نقش «احسان» در شکل‌دهی به فرهنگ اسلامی تبیین گردد. طبق یافته‌های تحقیق در بخش عبادی، «احسان» موجب تعمیق ارتباط فرد با خداوند شده و باعث می‌شود که اعمال عبادی با نیتی خالصانه‌تر و معنویت بیشتری انجام شوند. این امر نه تنها به ارتقاء فردی کمک می‌نماید، بلکه در کل جامعه نیز به افزایش تقوا و معنویت منجر می‌شود. در زمینه فرهنگ‌سازی اجتماعی، احسان در تقویت عدالت، همبستگی و همدلی میان افراد جامعه تأثیر قابل توجهی دارد. این ویژگی‌ها باعث کاهش تضادها و ایجاد هماهنگی بیشتر در جامعه می‌شود. در حوزه سیاست، «احسان» به عنوان معیاری برای گسترش عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در حکومت اسلامی مطرح می‌شود. «احسان» می‌تواند به عنوان یک الگوی جامع، به ساختن جامعه‌ای بر پایه عدالت، معنویت و تعاملات اجتماعی سالم کمک کند. این مفهوم در عصر حاضر، به عنوان راه‌حلی برای چالش‌های فرهنگی و اجتماعی و الگویی موثر برای ایجاد تغییرات مثبت در جامعه معرفی می‌شود و می‌تواند به تحقق جامعه‌ای متعادل و پایدار بر اساس ارزش‌های اسلامی کمک کند.

واژگان کلیدی: احسان، فرهنگ‌سازی عبادی، فرهنگ اجتماعی، فرهنگ سیاسی، فقه اسلامی.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۰۵/۲۱	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۳/۰۶/۱۱	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (علیها السلام)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۰۷/۱۷	DOI:	10.22034/cjls.2024.2038189.1003
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۷/۲۹		

مفهوم «احسان» یکی از مفاهیم مهم در فقه اسلامی است که در آیات متعددی از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند در قرآن، بندگان برگزیده خود را با عنوان «محسن» توصیف می‌کند و این صفت را به انبیاء و برگزیدگان بسیاری مانند ابراهیم (علیه السلام) (صافات، ۱۰۵ و ۱۱۰؛ انعام، ۸۴)، یوسف (علیه السلام) (انعام، ۸۴؛ یوسف، ۲۲، ۳۶، ۵۶، ۷۸ و ۹۰)، موسی (علیه السلام) (بقره، ۵۸؛ قصص، ۱۴؛ انعام، ۸۴؛ صافات، ۱۲۱)، نوح (علیه السلام) (صافات، ۸۰؛ انعام، ۸۴)، هارون (علیه السلام) (انعام، ۸۴؛ صافات، ۱۲۱)، اسماعیل (علیه السلام)، اسحاق (علیه السلام)، یعقوب (علیه السلام)، داوود (علیه السلام)، سلیمان (علیه السلام) و ایوب (علیه السلام) نسبت داده است. با وجود اهمیت این مفهوم در قرآن و فقه اسلامی، هنوز به طور جامع بررسی نشده است که «احسان» چگونه می‌تواند به عنوان یک مؤلفه کلیدی در فرآیند فرهنگ‌سازی عبادی، اجتماعی و سیاسی در جوامع اسلامی نقش آفرینی کند. مسئله اصلی این پژوهش بررسی چگونگی اثرگذاری مبانی فقهی «احسان» در فرهنگ‌سازی اسلامی است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش است که «احسان» چگونه می‌تواند در حوزه‌های عبادی، اجتماعی و سیاسی به عنوان یک عنصر اساسی در شکل‌دهی به فرهنگ اسلامی عمل کند؟ تدبیر در این مفهوم و عمل به آن می‌تواند تأثیر عمیقی در سبک زندگی و تربیت فردی و اجتماعی داشته باشد. بنابراین، این پژوهش با هدف تبیین مبانی فقهی «احسان» و بررسی تأثیر آن در فرهنگ‌سازی عبادی، اجتماعی و سیاسی، به واکاوی ویژگی‌های «احسان» و نقش آن در فرهنگ اسلامی پرداخته است.

یکی از مؤلفه‌های مهم در قرآن کریم مؤلفه «احسان» است که مورد توجه پژوهشگران حوزه معارف قرآنی قرار گرفته است. در این باره می‌توان به تحقیقاتی که در ارتباط با مؤلفه «احسان» صورت گرفته است اشاره نمود. به عنوان نمونه تحقیق صورت گرفته با عنوان «مفهوم قرآنی احسان و اصول و کارکردهای تربیتی آن» که به بررسی کارکردهای تربیتی مفهوم احسان پرداخته است (همتی و شیروانی شیری، ۱۴۰۱، صص ۹۱-۱۱۸) برخی دیگر از تحقیقات صورت گرفته به بررسی معنی شناختی «احسان» در قرآن کریم پرداخته‌اند، که در این باره می‌توان به مقاله «معنی شناسی احسان در قرآن» اشاره نمود (دهقانپور و بخشی، ۱۳۹۳، صص ۶۱-۸۲) دیگر مقاله نگاشته شده در این باره با عنوان «بررسی مفهوم احسان و محسنین در قرآن کریم» است که به بررسی مفهوم

احسان در قرآن پرداخته است (تجری، ۱۳۸۶، ص ۲۰) با این حال آن چه در مقاله حاضر در صدد بررسی آن هستیم فرهنگسازی قرآن کریم بر اساس مؤلفه است که در تحقیقات پیشین به آن اشاره نشده است.

فرهنگ سازی قرآن کریم

یکی از روش های قرآن کریم برای فرهنگسازی استفاده از مفاهیم محوری قرآنی هم چون مؤلفه «احسان» است. توضیح این که: قرآن کریم با توجه به ماهیت زبانی خود به طور طبیعی در واژگان و الفاظ ظهور کرده است. از این رو از دیرباز دانشمندان اسلامی، همچون غزالی و فخر رازی، معتقد بوده اند که شارع در الفاظ عربی تصرف کرده و عرف خاص قائل بوده اند که این تصرف در الفاظی مانند «ایمان» و «صلاة» ظهور یافته است (حسب الله، ۱۳۹۶، ص ۲۴۴). دانشمندان و پژوهشگران معاصر نیز کوشیده اند تا زبان ویژه قرآن کریم یا فرهنگ ویژه قرآنی در الفاظ آیات الهی را بررسی کنند (ر.ک: حسینی خامنه ای، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳؛ لسانی فشارکی و غلامی، ۱۳۹۰، ص ۳۵؛ جونی، ۱۴۳۷، ص ۱۱۵).

وجود فرهنگ ویژه قرآنی در تفسیر المیزان نیز قابل پیگیری است. علامه طباطبایی در مواضع گوناگونی به شرح الفاظ و مفاهیم قرآنی بر اساس فرهنگ ویژه قرآن کریم پرداخته است. به عنوان نمونه، در تفسیر آیهی بَرّ (بقره، ۱۷۷) با استناد به آیه به مثابهی سرچشمه ای ارزش ها و با اشاره به مفاد آن، ارزش های مورد توجه قرآن را در سه مرتبه ای متمایز از هم رتبه بندی کرده است. این سه رده به ترتیب آرایش قرآنی عبارت اند از: ایمان، عمل و اخلاق که از سویی با یکدیگر هماهنگ هستند و از سوی دیگر با جهان بینی قرآنی سازگاری دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۴۲۷-۴۳۰). طبق این تقسیم بندی، اخلاق بر این دو مرتبه ای ایمان و عمل است و پس از آن ها شکل می گیرد (رهنمایی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۶۶). از منظر علامه طباطبایی، قرآن کریم واژگان را از جامعه گرفته، اما معنای آن را طبق عرف خود تغییر داده است (نیل ساز، حاجی خانی و جلیلیان، ۱۳۹۴، ص ۱۵۵). بر این اساس، کسی که در تفسیر قرآن تنها از معنای عمومی واژگان استفاده کند، مانند کسی است که متن پزشکی را با استفاده از فرهنگ های عمومی ترجمه و تفسیر کند که بی گمان به بیراهه کشانده می شود (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰). و این کار به نوعی بی توجهی به منطق عملی قرآن کریم به حساب می آید (عابدینی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۰).

قرآن کریم در مسیر فرهنگ‌سازی از روش‌هایی هم‌چون تحمیل، اغفال، تخدیر و تحریک صرف احساسات استفاده نکرده؛ بلکه مسیر آگاهی‌بخشی را انتخاب نموده (صدر، ۱۳۸۷، ص ۳۲). که یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن توجه دادن به مفاهیم معنوی بنیادین و زمینه‌سازی انس هرچه بیشتر با آن است.

بعضی از اندیشمندان اسلامی مفاهیم اساسی مطرح شده در قرآن کریم را زمینه‌ساز ایجاد فرهنگی، اسلامی دانسته‌اند که توجه به آن کمک شایانی به فهم فرهنگ تأسیس شده از سوی قرآن کریم می‌کند. از دیدگاه ایشان فرهنگ جدیدی که برای نخستین بار با اصطلاحات طرح شده در قرآن کریم پی‌ریزی شده، زمینه را برای بدل شدن فرهنگ جاهلی به فرهنگ اسلامی فراهم آورده است (مهدوی کنی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۳-۲۰۵). مفاهیمی مانند حیات طیبه، ایمان، عمل صالح، جهاد، عدالت، آزادی و... که در بیانات مقام معظم رهبری نیز به چشم می‌خورند، مفاهیمی هستند که زمینه را برای پی‌ریزی مبانی و پاسخ‌گویی به مسائل به گونه‌ای نوین فراهم می‌آورند.

فرهنگ‌سازی قرآن بر اساس مؤلفه‌ی احسان

کلمه احسن از ریشه حسن و در باب افعال به معنی انجام کار به صورت نیکو است، که مطابق با هدف و قصد از انجام آن کار باشد. با این وجود آن چه زمینه فرهنگ‌سازی قرآن کریم در ارتباط با احسان را فراهم آورده است، کاربرد احسان در معنی اسم فاعل و به انجام آورنده احسان است. قرآن کریم به وسیله‌ی ذکر محسنین به عنوان دارندگان مقام احسان از محسنان الگویی می‌سازد که دیگر افراد لازم است مفهوم احسان را با توجه به مقامی که خداوند ارزانی مؤمنان ساخته است را در خود محقق سازند. به بیان علامه طباطبایی شیوه قرآن کریم این بوده است که معارف خود را فراتر از مفهوم صرف و با ذکر مصداق منتقل نماید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲۸). توجه به مصداق نقش بسیار مهمی نه تنها در شناخت مصداق، بلکه حتی در توضیح و تبیین مفهوم دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۶؛ مهدوی کنی، ۱۳۹۳، ص ۳۳۷). و در علوم تربیتی نیز از منظر این دانش به‌سختی می‌توان صفات انسانی را فارغ از افراد یا گروه‌هایی که آنها را تحقق می‌بخشند تصویر نمود (علم الهدی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۹).

مفهوم شناسی احسان

واژه‌ی «احسان» از ریشه‌ی «حسن» گرفته شده و به‌عنوان مصدر باب افعال به کار می‌رود. در این جا، مفهوم «حسن» به معنای هر نوع زیبایی و شادابی است که مورد تمایل و آرزوی فرد قرار می‌گیرد، راغب اصفهانی معتقد است حسن به سه شکل مختلف تبیین می‌شود:

۱. زیبایی و حسنی که با پسند و تأیید عقل و خرد هماهنگ است.
۲. زیبایی و حسنی که از منظر هوا و شهوت، نیکو است.
۳. زیبایی و حسنی که به طور ذاتی و محسوس، زیبا و خوب است.

از دیدگاه ایشان «احسان» دو نوع است:

۱. بخشش و نیکوکاری به دیگران، مثل فعل «أَحْسِنُ» که به معنای انجام عمل نیکو و نیکوکاری برای دیگران است.

۲. احسان در عمل و کار، به این معنی که فرد علم نیکویی را به دیگران یاد دهد یا خود عمل نیکویی انجام دهد. بر اساس این تعریف، سخن امام علی (علیه‌السلام) که می‌فرماید: «النَّاسُ أَبْنَاءُ مَا يُحْسِنُونَ»، (کافی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۱) به این معنا است که افراد بر اساس آنچه از کارهای شایسته و نیکویی یاد می‌گیرند یا اینکه خود این اعمال را انجام می‌دهند، شناخته می‌شوند.

از دیدگاه علامه طباطبایی مفهوم «احسان» از بخشش عام‌تر است، همچنین بالاتر از عدل می‌باشد چرا که عدل یعنی انصاف دادن، به این معنی که به چیزی یا حقی که کم است افزوده می‌شود و اگر زیاد می‌باشد، گرفته می‌شود، ولی «احسان» چیزی است که بیشتر از آنکه لازم است داده می‌شود و دربرگیرنده‌ی همه خوبی‌هاست. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وقتی که جبرئیل از او درباره احسان پرسید، چنین تفسیر فرمود: «الاحسان هو ان تعبد اللهَ كأنك تراه فان لم تكن تراه فانه يراك» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۰۳) و هو تأویل قوله تعالى: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ و اراد بالاحسان، الاخلاص و هو شرط في صحّة الايمان و الاسلام...». (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۱۷).

مفسران در تعریف «احسان» بیان کرده‌اند: احسان بخشش به محتاج است و حدّ احسان رساندن نفع نیکو به دیگری است و رساندن مطلق نفع به دیگری، احسان نیست (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۵۳). علامه طباطبایی بیان داشته‌اند: در نتیجه‌ی احسان

عبارت است از انجام دادن هر عملی به وجه حسن و بدون عیب، هم از جهت استقامت و ثبات و هم از جهت اینکه جز برای خداوند نبوده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۰). که در ادامه شرح دیدگاه ایشان ذکر خواهد شد.

مؤلفه‌های «احسان»

در تعریف «احسان» می‌توان گفت: محسن به رفتارها و موضوعات مطلوب مدّ نظر خداوند تقدیر دارد و به دستورات الهی و احکام نازل شده عمل می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۰۱). حسنه عملی است که مورد رضایت خداوند است و کلمه حسن در مورد عمل به معنای سازگار بودن آن با سعادت آدمی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۷۵). افعال حسنه افعال نیکو و مثبتی است که با غرض اجتماع یعنی سعادت و بهره برداری از زندگی، ملایم و موافق باشد. علامه طباطبایی همراهی خدا با محسنان که در آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹) بیان شده است را فراتر از همراهی به جهت یاری صرف آنان دانسته و از آن به همراهی رحمت‌آمیز و همراه با عنایت از سوی خداوند متعال تعبیر نموده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۵۲)؛ آن‌گونه که در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم رحمت خداوند متعال نزدیک به محسنان دانسته شده است (أعراف، ۵۶).

تقوا

خداوند یوسف (علیه‌السلام) را در جوانی متّصف به صفت «احسان» دانسته و او را در زمره محسنان معرفی کرده است، آن حضرت (علیه‌السلام) در هنگام مواجهه با برادران خود، اجزاء و عناصر محسن بودن خود را که بهانه منت الهی بر وی و برادرانش را فراهم نموده است، این‌گونه توضیح داده که: «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، ۹۰)، براساس آیه شریفه تقوا از صفاتی است که محسنان بدان مزین هستند، در آیات دیگری نیز این مطلب مطرح شده است (زمر، ۳۳-۳۴؛ ذاریات، ۱۵-۱۶). تقوا عبارت است از «حفظ نفس از مخالفت اوامر و نواهی حق و متابعت رضای او» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶). در بیان علامه طباطبایی تقوا به معنی ورع داشتن از محرّمات الهی و دوری از انجام امور نهی‌شده از جانب خداوند متعال است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۰). ایشان در تعبیری دیگر تقوا را به معنی شایستگی اخلاق و همچنین تحقق فضائل انسانی ارزشمند در انسان

دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۲۶۹). و در جای دیگر تقوا را وجود حالت مراقبت نسبت به امر و نهی الهی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۶۳). تقوا حالتی است که به صورت پیوسته انسان را در مسیر رسیدن به خدا همراهی می‌کند. امام خمینی حصول هیچ‌گونه مقامی بدون تقوا را ممکن نمی‌داند و در وصف انسانی که تقوا ندارد می‌فرماید: «مادامی که نفس ملوث به لوث محرمات است داخل در باب انسانیت و سالک طریق آن نیست و مادامی که تابع مشتبهات و لذائد نفسانیه است و حلاوت این نوع لذاذد در کام او است، اول مقام کمالات انسانیه برای او رخ ندهد (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹)». به تعبیر علامه طباطبایی نیز تقوا حالتی روحی است که در تمام مقام‌های معنوی با انسان همراه است و هر مقامی تقوایی دارد که مخصوص به همان مقام محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۲۸ و ۱۲۹). جایگاه تقوا قلب انسان است و البته بنابراین گرچه از نگاه برخی محققان تقوا از دل ایمان بر می‌خیزد، بر دوش آن سوار می‌شود و ادامه ایمان است (رک: غنوی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴). اما نمی‌توان از نظر دور داشت که بنا بر آیات قرآن کریم تقوا فرآیندی است که نه تنها بعد از ایمان، بنده موظف به تحصیل آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۲۸ و ۱۲۹)، بلکه حتی پیش از ایمان نیز لازم است به آن متصف گردد و اصولاً به عنوان یکی از شروط لازم ایمان محسوب می‌شود. آن‌گونه که گذشت علامه طباطبایی تقوا را حالتی می‌داند که در هر مقامی مخصوص به آن رتبه‌ای از رتبه‌های تقوا وجود دارد و از آن جا که ایمان نیز یکی از مقامات است، می‌توان تقوا را عنصری دانست که لازم است انسان مؤمن نیز ابتداءً به آن مزین گردد. علامه طباطبایی ذیل آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مانده، ۲) تقوا را اساس و پایه‌ای می‌داند که ایمان و عمل صالح در اجتماع بر آن استوار می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۶۳). تقوا همچنین سبب دسترسی فرد متقی به هدایت خاص الهی خواهد گشت. در آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱) اثر تقوا در توانایی دریافت هدایت از قرآن کریم روشن شده است و این صفت تقوا است که سبب می‌گردد انسان در سایه ولایت الهی قرار گیرد (جاثیه، ۱۹) و سزاوار محبت الهی گردد (آل عمران، ۷۶).

صبر

در کنار تقوا، صبر یکی از صفات محسنان است، آن‌گونه که در آیه ۴۰ سوره مبارکه یوسف آمده است علاوه بر تقوا از دیگر ویژگی‌های لازم برای محسنان صبر است. این مطلب در آیه ۱۱۵ سوره هود نیز بیان شده: «وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود، ۱۱۵)، صبر از

مهمترین عناصر قابل ذکر در ارتباط با رفتار انسانی است که در آیات فراوانی از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. صبر بر اساس روایات امری است که التزام به آن این امکان را برای انسان فراهم می‌سازد که در تمام حرکات و سکنات بر مدار حق و صلاح سیر نماید. بر اساس روایات صبر این کمک را به انسان می‌کند که در مواجهه با مصیبت، طاعت و معصیت (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۹۱) که حالات مختلف انسانی را دربر می‌گیرد مقاومت نماید. برخی از مفسران صبر در این آیه را محدود به مورد نماز و یا اذیت و آزارهای دشمنان در برابر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دانسته‌اند، اما روشن است که هیچ‌گونه دلیلی بر محدود ساختن معنی صبر، در آیه نیست، بلکه يك مفهوم کلی و جامع را در بر دارد که هرگونه شکیبایی در برابر مشکلات، مخالفت‌ها، آزارها، هیجان‌ها، طغیان‌ها و مصائب گوناگون را شامل می‌شود و ایستادگی در برابر تمام این حوادث در مفهوم جامع صبر مندرج است.

و يك اصل کلی و اساس اسلامی است که در موردی از قرآن با نماز همراه ذکر شده است، شاید به این دلیل که نماز در انسان «حرکت» می‌آفریند و دستور صبر، مقاومت ایجاد می‌کند، و این دو یعنی: «حرکت» و «مقاومت» هنگامی که دست به دست هم بدهند عامل اصلی هرگونه پیروزی خواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۹، ص ۲۷۴).

در آیه شریفه دیگری بیان شده است: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ (بقره، ۴۵) که باید از صبر و نماز برای مهمات و حوادث خود کمک گرفت وجه آن برای این است که در حقیقت یآوری به جز خدای سبحان نیست، در مهمات یاور انسان مقاومت و خویشتن‌داری آدمی است، به اینکه استقامت به خرج داده، ارتباط خود را با خدا وصل نموده و از صمیم دل متوجه او شود و این دو بهترین وسیله برای پیروزی است، چون صبر، هر بلا و یا حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می‌کند و نماز که اقبال به خدا و التجاء به اوست، روح ایمان را زنده می‌سازد و به آدمی می‌فهماند که به جایی تکیه دارد که انهدام‌پذیر نیست و به سببی دست‌زده که پاره‌شدنی نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۱۵۲).

استقامت

استقامت در راه خدا دیگر صفت محسنین است. خداوند متعال در سوره احقاف صفات دیگری از محسنان را برشمرده است و فرموده است: «و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و

رحمت بود (نشانه‌های آن را بیان کرده)، و این کتاب هماهنگ با نشانه‌های تورات است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد! کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند (احقاف، ۱۲-۱۳) «علامه طباطبایی بیان کرده است متقین دو مرحله دارند و آن عبارت است از کلمه «محسنین» که در مورد انسان‌ها معنایش نیکوکاران به انسان‌ها است و در مورد خدای تعالی معنایش «استقامت» و تحمل راه خدا است، که احسانی که در این آیات به کار رفته است اصل و ریشه برای «احسان» به مردم است، چرا که اگر احسان به خلق، برای خدا نباشد نزد خدا هیچ ارزشی ندارد و دلیل آن آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹) است، چرا که معنای این جهاد که عبارت است از بذل جهد در جایی و در امری که آن امر مطابق میل نباشد، بلکه مخالف با مقتضای طبع باشد و شخص عاقل بر خلاف میل خود تلاش نمی‌کند، مگر وقتی که به اموری دیگر ایمان داشته باشد، که منافع آن بیش از آن تلاش باشد، اموری که هر انسان عاقلی وقتی آن را درک کند حکم کند که باید در صدد تحصیلش برآمده و بلکه مقاومت هم بکند و برای به دست آوردنش از همه محبوب‌های طبیعی و شهوات و نفسانی چشم‌پوشد و لازمه داشتن چنین درک اعتقادی و نیز لازمه ادعای داشتن این درک و این اعتقاد این است که بگویند: «ربنا الله» و به پای این گفته خود ایستادگی هم بکنند. از لحاظ اعتقادی چنین هست و به حسب عمل هم باید به پای گفته خود بایستند، یعنی در راه خدا جهاد کنند، انگیزه‌ای به جز عبادت او نداشته باشند، در راه او انفاق کنند و با مردم حسن معاشرت داشته باشند. در نتیجه «احسان» نوعی عبارت است از انجام دادن هر عملی به وجه حسن و بدون عیب، هم از جهت استقامت و ثبات و هم از جهت اینکه جز برای خدا نبوده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۰).

اصولا هیچ‌گونه نیکی بدون ایستادگی و صبر ممکن نیست، چون به پایان رساندن کارهای نیک حتما استقامت لازم دارد و به همین جهت در آیه به دنبال امر به صبر بیان کرده است، خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند و نیکوکاری بدون صبر و ایستادگی میسر نیست. و غالبا مردم در برابر حوادث ناگوار به چند گروه تقسیم می‌شوند. گروهی بلافاصله به جزع و فزع می‌افتند: «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا» (معرج، ۲۰). گروه دیگری دست و پای خود را

گم نمی‌کنند و با تحمل و بردباری در برابر حادثه می‌ایستند. گروه سوم گروهی هستند که علاوه بر تحمل و بردباری، شکرگزاری هم دارند. گروه چهارم در برابر اینگونه حوادث عاشقانه به تلاش و کوشش برمی‌خیزند و برای خنثی کردن اثرات منفی حادثه، طرح ریزی می‌کنند، جهاد و پیکار خستگی‌ناپذیر به خرج می‌دهند و تا مشکل را از پیش پا بر ندارند آرام نمی‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۹، ص ۲۷۴).

دیگر آیاتی که در زمینه ارتباط احسان و استقامت قابل ذکر است آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ از سوره مبارکه هود می‌باشد. در حالی که در آیه ۱۱۲ از این سوره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اصحاب ایشان امر به استقامت شده‌اند در آیه ۱۱۵ از ایشان درخواست می‌شود که در ادامه استقامت صورت گرفته صبر پیشه کنند و در ادامه صبر صورت گرفته بیان شده است که، خداوند متعال اجر محسنان را ضایع نخواهد نمود (هود، ۱۱۲-۱۱۵) نکته‌ای که روشن می‌شود این است که در این آیات «احسان» عبارت از صبر و استقامت در انجام امر الهی است

جهاد

دیگر خصوصیت ذکر شده در ارتباط با محسنین ویژگی جهاد است. در آیه‌ی آخر سوره‌ی عنکبوت آمده است: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (عنکبوت، ۶۹) علامه طباطبایی بیان کرده است: جهاد سه قسم دارد؛ جهاد با دشمن ظاهری، جهاد با شیطان و جهاد نفس. صاحب (مفردات) بیان کرده است: معنای «جَاهَدُوا فِينَا» این است که جهادشان همواره در راه ما است و این تعبیر کنایه از این است که جهادشان در اموری است که متعلق به خدای تعالی است، چه جهاد در راه عقیده و چه در راه عمل باشد و چون جهادشان در راه خدا است، هیچ عاملی ایشان را از ایمان به خدا و اطاعت اوامر و نواهی او باز نمی‌دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۵۱). این آیه دلالت دارد فردی که در راه خدا جهاد می‌کند، در زمره محسنان است و از معیت یا توفیق خداوند بهره‌مند است. تقسیم‌بندی ذکر شده در ارتباط با جهاد از سوی علامه طباطبایی در احادیث نیز مورد تأکید قرار گرفته است و حتی در احادیث جهاد با نفس مهمتر از جهاد با دشمن خوانده شده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۲).

برخی از مفسران بیان کرده‌اند: این آیه عصاره‌ای از تمام این سوره و هماهنگ با آغاز آن

است و دلالت بر این دارد که راه خدا گرچه مشکلات فراوان دارد، مشکل از نظر شناخت حق، مشکل از نظر وسوسه‌های شیاطین جن و انس، مشکل از نظر مخالفت دشمنان سرسخت و بی‌رحم و مشکل از نظر لغزش‌های احتمالی، اما در این جا يك حقیقت است که در برابر این مشکلات نیرو و اطمینان می‌دهد و حمایت می‌کند و آن این‌که ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ و هم تعبیر به «جهاد» تعبیر وسیع و مطلق است و هم تعبیر «فینا»، بنا بر این هرگونه جهاد و تلاشی را که در راه خدا و برای او و به منظور وصول به اهداف الهی صورت گیرد را شامل می‌شود، خواه در طریق کسب معرفت باشد، یا جهاد با نفس، یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت، یا شکیبایی در برابر وسوسه‌ی معصیت، یا در مسیر کمک به افراد مستضعف، و یا انجام هر کار نیک دیگر و کسانی که در این راه‌ها به هر شکل و هر صورت برای خدا مجاهده کنند، مشمول حمایت و هدایت الهی هستند و این وعده‌ای است که خداوند مؤکداً به همه‌ی مجاهدان راهش داده، و با انواع تاکیدات (لام تاکید و نون تاکید ثقیله) آن را مؤکد ساخته و پیروزی و ترقی و موفقیت را در گرو جهاد و اخلاص دانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۶، ص ۳۵۰).

بنابراین می‌توان چهار خصوصیت تقوا، صبر، جهاد و استقامت را به عنوان خصوصیات محوری محسنین در قرآن کریم مورد توجه قرار داد. خصوصیات ذکر شده از مهمترین عناصر در فرهنگ‌سازی در قرآن کریم است که در ضمن یک مؤلفه یعنی مؤلفه‌ی «احسان» جمع شده‌اند. آن‌چه در ارتباط با این چهار مؤلفه جلب نظر می‌کند مطابقت این چهار مؤلفه با ویژگی‌های مطرح شده در کلام امیر مؤمنان (علیه‌السلام) است که می‌فرمایند: «أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنَ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سُدَادٍ (سید رضی، ۱۴۱۲، نامه ۴۵)» با این توضیح که مفهوم «ورع» با مفهوم «تقوا»، مفهوم «اجتهاد» با مفهوم «جهاد»، مفهوم «عفت» با مفهوم «صبر» و مفهوم «سداد» با مفهوم «استقامت» تناظر دارند.

فرهنگ‌سازی مؤلفه «احسان» در حوزه عبادی

مؤلفه‌ی «احسان» در حوزه‌ی عبادی ظهور خاصی دارد، که در آیات الهی مورد اشاره قرار گرفته است. در آیات نخست سوره‌ی لقمان خداوند به برخی از صفات محسنان اشاره دارد و بیان کرده است: این آیات کتاب حکیم است (کتابی پر محتوا و استوار)! مایه‌ی هدایت و

رحمت برای نیکوکاران است. همانان که نماز را برپا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند و آنها به آخرت یقین دارند (لقمان، ۲-۴). در این آیه‌ی شریفه به «اقامه‌ی نماز» اشاره کرده است، همان‌طور که در آیه‌ی دیگری بیان کرده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت، ۴۵) و نماز را برپا دار، که نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد. در این آیه‌ی کریمه نیز اثر نماز با عنوان بازدارندگی از زشتی‌ها است، که حاکم شدن گفتمان ارزشی نیک‌گفتاری و افعال خیر در جامعه، رواج خضوع و خشوع، بالا رفتن ظرفیت اخلاقی و آستانه‌ی تحمّل دردها و گسترش فرهنگ صبر و شکیبایی، اصلاح معیشت جامعه به لحاظ عطای زکات در کنار برپایی نماز از جمله آثار جمعی اقامه‌ی نماز در جامعه است. نکته‌ی مهمی که در این باره قابل ذکر است، مفهوم اقامه‌ی نماز است. بر اساس دیدگاه برخی محققان اقامه‌ی نماز به معنی صرف ادا‌ی نماز نبوده، بلکه به معنی تجلی عبودیت در ساحت جامعه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵). بنابراین فرد محسن که به اقامه‌ی نماز می‌پردازد، در صدد است که عبودیت را در ساحت جامعه تحقق بخشد. علاوه بر این عبادت خداوند متعال نزد محسنان صرفاً منحصر در عبادت خداوند متعال بدون هیچ شرطی نبوده و آن‌گونه که در سوره‌ی مبارکه شوری بیان شده است، محسنان علاقه‌ی زائد الوصفی به اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دارند. در آیه‌ی ۲۳ از سوره شوری آمده است: «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیت]؛ و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزایم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است (شوری: ۲۳)». علامه طباطبایی بعد از ردّ دیدگاه‌های مختلف اثبات کرده است که مراد از «القربی» اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند، در ادامه بیان کرده است: برخی مفسران گفته‌اند: مراد از حسنه همان مودّت قربای رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است و مؤید این احتمال روایاتی است که از اهل بیت (علیهم‌السلام) وارد شده است و قهراً مراد از حسنه طبق انتطابقش بر مورد، همان مودّت خواهد بود (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۴۳-۴۴). از این رو یکی از صفات محسنین، در حوزه‌ی عبادی مودّت اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

بنابراین در ارتباط با فرهنگ‌سازی بر اساس مفهوم «احسان» در حوزه‌ی عبادی می‌توان گفت: مؤلفه‌ی «احسان» با تأکید بر اقامه‌ی نماز که دلالت بر تجلی عبودیت در ساحت جامعه دارد و هم‌چنین با مودت اهل بیت (علیهم‌السلام) ظهور می‌یابد.

فقه اسلامی هم احکام مختلفی را برای تحقق «احسان» در زندگی فردی انسان بیان کرده است. برخی از مهم‌ترین این احکام عبارتند از:

نماز: نماز علاوه بر این که یک عبادت واجب است، وسیله‌ای برای تزکیه‌ی نفس و پرورش روحیه‌ی احسان و نیکوکاری نیز محسوب می‌شود.

زکات: زکات، مالی است که خداوند بر اموال مسلمانان واجب کرده است و پرداخت آن موجب طهارت مال و دل می‌شود. زکات علاوه بر این که یک فریضه‌ی مالی است، وسیله‌ای برای تقویت روحیه‌ی ایثار و همدلی در جامعه نیز هست.

روزه: روزه علاوه بر این که یک عبادت واجب است، موجب تقویت صبر، تقوا و پرهیزگاری می‌شود. روزه‌دار با تحمل گرسنگی و تشنگی، به نیازمندان و محرومان جامعه بیشتر توجه می‌کند و روحیه احسان و نیکوکاری در او تقویت می‌شود.

فرهنگ‌سازی بر اساس مؤلفه‌ی احسان در حوزه‌ی اجتماعی

فرهنگ‌سازی بر اساس مؤلفه‌ی «احسان» در حوزه‌ی اجتماعی در مفاهیمی هم‌چون انفاق، فروبردن خشم و گذشت انعکاس یافته است. در آیه بیان شده است: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران، ۱۳۴). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های محسنین در حوزه‌ی اجتماعی، انفاق است. توضیح این نکته: بر اساس دیدگاه برخی از محققان، انفاق در قرآن کریم به معنی صرف پرداخت مال نیست. بلکه به معنی شناخت نیازهای مادی جامعه و سعی در برطرف کردن این نیازها به روش‌های مختلف است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵). دو نکته‌ی مهم دیگر که در کنار انفاق در آیه‌ی فوق ذکر شده است، فروبردن خشم و گذشت است، که محور رفتار محسنان در حوزه اجتماعی خواهد بود.

بر اساس آن چه در روایت از امام صادق (علیه السلام) ذکر شده است: فرد محسن دارای ویژگی‌هایی با ظهور اجتماعی است. بر این اساس امام صادق (علیه السلام) در وصف یوسف (علیه السلام) به عنوان فرد محسن می‌فرماید: «كان يقوم على المريض، و يلبس للمحتاج، و يوسع على المحبوس (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۴)».

در جمع‌بندی چگونگی اثرگذاری مؤلفه‌ی «احسان» در فرهنگ‌سازی در حوزه‌ی

اجتماعی می‌توان گفت: «احسان» در حوزه‌ی اجتماعی دربردارنده‌ی مفهوم انفاق است، که نه به معنی صرف پرداخت مال، بلکه به معنی برطرف نمودن مشکلات جامعه‌ی اسلامی در حوزه اجتماعی است که در رفتار حضرت یوسف (علیه‌السلام) نیز در قالب درمان بیماران، برطرف کردن حاجات نیازمندان و وسعت‌دادن بر افراد محبوس تجلی یافته است. از سوی دیگر «احسان» دربردارنده‌ی دو رفتار فروبردن خشم و گذشت است، که زمینه را برای تحقق جامعه‌ای متعادل و سالم فراهم می‌آورد.

«احسان» در حوزه‌ی اجتماعی، از مهم‌ترین مفاهیم اخلاقی در اسلام است، که در فقه اسلامی نیز به آن توجه ویژه‌ای شده است. «احسان» در این حوزه به معنای نیکوکاری، کمک به دیگران، رعایت حقوق دیگران و ایجاد روابط اجتماعی سالم است. فقه اسلامی هم احکام مختلفی را برای تحقق «احسان» در روابط اجتماعی بیان کرده است. برخی از مهم‌ترین این احکام عبارتند از:

۱. نیکی به والدین: یکی از مهم‌ترین واجبات در اسلام، نیکی به والدین است. این نیکی شامل اطاعت از والدین در غیر معصیت، احترام به آنان، خدمت به آن‌ها و دعا برای آن‌ها است.

۲. حسن سلوک با همسایه: اسلام بر حسن سلوک با همسایه تأکید فراوان کرده است. همسایه حق همسایگی بر گردن مسلمان دارد و باید در حقوق او رعایت شود.

۳. نیکی به خویشاوندان: اسلام بر نیکی به خویشاوندان تأکید کرده است. خویشاوندان از نزدیک‌ترین افراد به انسان هستند و باید در حقوق آن‌ها رعایت شود.

۴. امانت‌داری: امانت‌داری یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی در اسلام است. امانت‌دار کسی است که امانتی را که به او سپرده‌اند، حفظ کند و به صاحب آن بازگرداند.

۵. عدالت: عدالت یکی از مهم‌ترین اصول اسلامی است. عدالت به معنای دادن حق به حق‌دار و اجرای قانون به طور یکسان برای همه است.

۶. گذشت: گذشت از حقوق خود به نفع دیگران، از مصادیق احسان است. گذشت موجب تقویت روابط اجتماعی و ایجاد صلح و آرامش در جامعه می‌شود.

فرهنگ‌سازی مؤلفه‌ی «احسان» در حوزه‌ی اجتماعی، به معنای ترویج و گسترش ارزش‌های اسلامی در روابط اجتماعی است. با آموزش و تبیین مفاهیم احسان و نیکوکاری،

می‌توان جامعه‌ای را ساخت که در آن روابط انسانی بر پایه‌ی عدالت، برابری و همدلی استوار باشد.

فرهنگ‌سازی بر اساس مؤلفه‌ی «احسان» در حوزه سیاسی

«احسان» در حوزه‌ی سیاسی نیز در قرآن کریم بازتاب یافته است. در آیه‌ی ۵۶ سوره مبارکه اعراف بیان شده است: «و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید! (بیم از مسئولیت‌ها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید). زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است! (اعراف، ۵۶)». یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رفتاری در حوزه‌ی سیاسی صلاح و فساد حاکمان است. تا جایی که حکومت از دیدگاه قرآن کریم قابل تقسیم به حکومت صالحان و فاسقان است. راغب اصفهانی معتقد است: صلاح در مقابل فساد است و فساد عبارت است از تغییر دادن هر چیزی از آن‌چه طبع اصلی آن اقتضا دارد، در آن‌چه خیر و فایده در خور او است بر آن مترتب گردد، بدون این‌که به خاطر فسادش چیزی از آثار نیک آن تباه گردد (راغب اصفهانی، ص ۴۲۷).

یکی از ویژگی‌های بارز حکمرانی طاغوتی فساد است و قرآن کریم مخالفان جریان حق را تحت عنوان مفسد نام برده است، مثل: «وَتَمُودَ الَّذِي جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ * وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ * الَّذِينَ ظَعَنُوا فِي الْبِلَادِ * فَأَكْتَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ» (فجر، ۱۲-۱۴) که نتیجه‌ی این حکمرانی گسترش فساد روی زمین است و مطابق آیه «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّنَّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص، ۴). این فساد باعث استعلاء تفوق بر مردم، متفرق کردن و تضعیف آنان، تبعیض میان اقوام، ستم وافر و نسل‌کشی آن‌ها شد، هم‌چنین تکذیب آیات روشن الهی، تهمت سحر به رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، انکار در عین یقین به حقانیت، ظلم به مردم، برتری طلبی و عاقبت سوء، نیز از اموری است که معلول فساد در زمین هستند. با توجه به مفاهیم متضاد در نقطه‌ی مقابل، از ویژگی‌های اصلی حکمرانی توحیدی «صلاح»، «اصلاح» و «اصلاح‌گری» است و مراد از فساد حکمرانی طاغوت این است که، آفرینش عمومی بدین‌گونه است که خداوند موجودات را خلق کرده و در میان طایفه‌ای با طایفه‌ای دیگر در گسترش وجود تفاوتی نگذاشته و به همه بهره‌ای

یکسان در بهره‌برداری از متاع‌های زندگی زمینی داد و همه را مجهز کرد که به سوی حیات اجتماعی با بهره‌گیری از مواهب حیات هدایت شوند و هر کس به اندازه‌ی ارزش وجودی و وزن اجتماعی از آن‌ها بهره‌مند شود و این همان اصلاح است و تجاوز از این سنت و آزاد ساختن قومی و به بردگی گرفتن قومی دیگر و بهره‌مندی برخی از چیزهایی که استحقاق آن را ندارند و محروم کردن دیگران که استحقاق بهره‌مندی را دارند همان افساد است که نتیجه‌ی آن هلاکت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۸).

از جمله نموده‌های سیاسی مفهوم «احسان» در قرآن کریم کلام خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران، ۱۷۲). در این آیه خداوند متعال به گروهی از محسنان اشاره می‌کند، که دعوت خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را در ارتباط با تعقیب کردن مشرکان تبعیت کرده‌اند که خود نمودی از تبعیت سیاسی محسنان از ولی در ارتباط با دستورات سیاسی و حکومتی است.

دیگر ظهور سیاسی مؤلفه‌ی «احسان» درباره زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (أحزاب، ۲۹). با توجه به شأن نزول این آیات که در ارتباط با جنگ خیبر نازل شده است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۲) در این آیه عبارت محسنات در ارتباط با همسرانی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به کار رفته است، که به عهد خود با رسول خدا وفادار بوده و چیزی بیشتر از اموال متعارف طلب ننموده و زمینه را برای سوء استفاده‌ی دیگران از ایشان فراهم نمی‌آورند.

در آیه‌ی ۱۳ سوره شوری هم این حقیقت روشن می‌شود که دعوت اسلام به توحید دعوت تازه‌ای نیست، دعوت تمام پیامبران اولوالعزم (علیهم‌السلام) است، نه تنها اصل توحید، بلکه تمام اصول دعوت انبیاء (علیهم‌السلام) و مسائل بنیادی در همه‌ی ادیان آسمانی، و سخن از تشریح دین از ناحیه‌ی پروردگار به وسیله‌ی پیامبران اولوالعزم (علیهم‌السلام) یکی بوده است. در ادامه‌ی بحث برای نفی تشریح دیگران، و این‌که هیچ قانونی در برابر قانون الهی رسمیت ندارد، و اصولاً حق قانون‌گذاری مخصوص خدا است: ﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ﴾ (شوری، ۲۱) در حالی که خالق و مالک و مدبّر عالم هستی تنها او است، و به همین دلیل حق قانون‌گذاری نیز مخصوص ذات پاک او است و هیچ‌کس بدون اذن او نمی‌تواند در قلمرو تشریح او دخالت کند، بنابراین در برابر تشریح او هر چه باشد باطل است. سپس با لحنی

تهدیدآمیز به تشریح کنندگان باطل هشدار داده است: هرگاه فرمان حتمی خداوند دائر به مهلت دادن به این گونه اشخاص نبود در میان آن‌ها داوری می‌شد و دستور عذابشان صادر می‌گشت و مجالی به آن‌ها نمی‌داد. و سپس در آیه‌ی بعد برای بیان عظمت این پاداش بزرگ بیان کرده است: «این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند (شوری، ۲۱)». و از آن‌جا که ابلاغ این رسالت از سوی پیامبر بزرگوار اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گاه این توهم را ایجاد می‌کرد که او چه اجر و پاداشی در برابر رسالت خود از مردم می‌طلبد، به دنبال این سخن به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دستور می‌دهد: «بگو من هیچ اجر و پاداشی بر این موضوع از شما درخواست نمی‌کنم، جز این‌که ذوی‌القربای مرا دوست دارید (شوری: ۲۳)». دوستی ذوی‌القربی بازگشت به مساله‌ی ولایت و قبول رهبری ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌کند که در حقیقت تداوم خط رهبری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ادامه‌ی مساله ولایت الهیه است، که قبول این ولایت و رهبری همانند نبوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سبب سعادت خود انسان‌ها است و نتیجه‌اش به خود آن‌ها باز می‌گردد. چرا که در بسیاری از آیات قرآن مجید ذکر شده است پیامبران (علیهم‌السلام) می‌گفتند: «پاداشی از شما در برابر دعوت رسالت نمی‌خواهیم و پاداش ما تنها بر پروردگار عالمیان است، ﴿مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (شعراء، ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰)

و در مورد شخص پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز تعبیرات مختلفی دیده می‌شود: در يك جا آمده است: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ»، «بگو پاداشی را که از شما خواستم تن‌ها به سود شما است، اجر و پاداش من فقط بر خداوند است.» (سبا، ۴۷) و در جای دیگری فرموده است: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» «بگو من در برابر ابلاغ رسالت هیچ‌گونه پاداشی از شما مطالبه نمی‌کنم، مگر کسانی که بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند» (فرقان، ۵۷). و در مورد دیگری گوید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (ص، ۸۶) من از شما پاداشی نمی‌طلبم و چیزی بر شما تحمیل نمی‌کنم. از کنار هم نهادن این آیات سه‌گانه با آیه مورد بحث چنین برداشت می‌شود که: در يك جا به کلی نفی اجر و مزد می‌کند. در جای دیگر گوید: من تنها پاداش از کسی می‌خواهم که راهی به سوی خدا می‌جوید. و در مورد سوم فرماید: پاداشی را که از شما خواسته‌ام برای خود شما است. و در نهایت گوید: مودت

ذوالقربی پاداش رسالت من است. در نتیجه جمعا می فرماید: «من پاداشی از شما خواسته‌ام که مطلقا چیزی نیست که نفعش عائد من شود و سود آن به خود شما می‌رسد، و چیزی است که راه شما را به سوی خدا هموار می‌سازد و به این ترتیب مساله ادامه خط مکتب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به وسیله رهبران الهی و جانشینان معصومش را مطرح کرده است (شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۰، ص ۴۰۱-۴۰۷).

بنابراین در مجموع می‌توان «احسان» در حوزه سیاسی را به معنی رفتار حاکمان بر اساس اصلاح و نه فساد دانست که خود ملاک سنجش میان حکومت صالحانه و حکومت مفسدانه است. از سوی دیگر «احسان» از سوی امت نیز به معنی تبعیت سیاسی از اوامر ولی الهی است که زمینه را برای حاکمیت الهی فراهم خواهد آورد.

تقوا صبر استقامت جهاد	مؤلفه‌های احسان	ویژگی‌های محسنین
اقامه نماز (تجلی عبودیت در جامعه) مودت اهل بیت (علیهم السلام)	احسان در حوزه عبادی	
انفاق (رفع مشکلات جامعه در حوزه اجتماعی) فرو بردن خشم و گذشت	احسان در حوزه اجتماعی	
حکومت صالحانه در برابر حکومت مفسدانه تبعیت از اوامر ولی الهی	احسان در حوزه سیاسی	

نتیجه گیری و پیشنهادات

۱. یکی از مهم ترین راه های فرهنگ سازی، فرهنگ سازی از طریق مفاهیم قرآنی است. مفهوم «احسان» به عنوان یکی از کلیدی ترین مفاهیم فرهنگ ساز قرآن کریم، نقش محوری در این فرآیند دارد.
۲. «احسان» به عنوان یک مفهوم قرآنی فقهی، دارای مؤلفه های مهمی است که از جمله برجسته ترین آن ها می توان به تقوا، صبر، استقامت و جهاد اشاره کرد. این مؤلفه ها از ارکان اساسی فرهنگ سازی در جامعه اسلامی به شمار می روند.
۳. در حوزه عبادی، «احسان» به فرهنگ سازی در ارتباط با اقامه نماز کمک می کند. اقامه نماز به عنوان تجلی عبودیت در جامعه، از مهم ترین نمودهای فرهنگ عبادی است. علاوه بر این، «احسان» به لزوم مودت اهل بیت (علیهم السلام) نیز تأکید دارد که نقشی حیاتی در فرهنگ سازی عبادی دارد.
۴. در حوزه اجتماعی، «احسان» زمینه ساز فرهنگ سازی در ارتباط با انفاق است. انفاق به معنای شناخت و رفع آسیب ها و مشکلات اجتماعی، از مهم ترین راهکارهای فقهی برای تقویت همبستگی اجتماعی است. همچنین، فروبردن خشم و گذشت از دیگر ویژگی های محسنان است که نقش مهمی در ایجاد فرهنگ اجتماعی سالم دارد.
۵. در حوزه سیاسی، «احسان» به لزوم حکومت صالحانه در برابر حکومت مفسدانه و تبعیت از ولی الهی در مسائل سیاسی اشاره دارد. این مفهوم نقش اساسی در فرهنگ سازی سیاسی دارد و به ترویج عدالت و مسئولیت پذیری در جامعه اسلامی کمک می کند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغة لابن ابی‌الحدید، ۱۰ جلد، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر - بیروت، چاپ سوم.
۳. تجری، علی اصغر. (۱۳۸۶). بررسی مفهوم احسان و محسنین در قرآن کریم، مجله معارف، شماره ۴۸.
۴. جونى، جمیل حسن. (۱۴۳۷ق). القرآن بین العربیة و العربیة، بیروت، دار المرتضی.
۵. حسب‌الله، علی. (۱۳۹۶). اصول التشریح الإسلامی، قاهره، دار المعارف.
۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، مؤسسه ایمان جهادی.
۷. (امام) خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۸). شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. دهقانپور، علیرضا و بخشی، ژیلا. (۱۳۹۳). معنی شناسی احسان در قرآن، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱۷، ص ۶۱-۸۲.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. چاپ اول. بیروت، دار القلم.
۱۰. رهنمایی، احمد. (۱۳۹۷). «ارزش‌شناسی از منظر علامه طباطبایی با تکیه بر تفسیر المیزان»، مجموعه مقالات همایش تفسیر المیزان و علوم انسانی اسلامی، به‌کوشش محمدعلی اسدی‌نسب، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. زائری، قاسم. (۱۳۸۷). بررسی خط مشی فرهنگی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در دوره ده ساله حکومت، طرح پژوهشی، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۲. شاکر، محمدکاظم. (۱۳۸۲). مبانی و روش‌های تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۳. صدر، سید موسی. (۱۳۸۷). «پژوهش‌های موضوعی: قرآن و شیوه اصلاح فرهنگ»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۴ و ۵۵، صص ۲۵-۵۵.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۷). التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ ۱.
۱۶. عابدینی، محمدرضا. (۱۴۰۰). آداب انس با قرآن، قم، معارف.
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴). تفسیر قمی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷). الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم.
۱۹. لسانی فشارکی، محمدعلی و غلامی، مهدی. (۱۳۹۰). آموزش زبان قرآن، قم، زینی.
۲۰. مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۹۵). تفسیر موضوعی قرآن کریم، چیستی و الزامات (نسخه الکترونیکی)، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۲۱. مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۹۳). سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی. گردآوری و تدوین: نادر جعفری هفتخوانی. تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۲۲. نیل ساز، نصرت، حاجی خانی، علی و جلیلیان، سعید. (۱۳۹۴). «معناشناسی زبان قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی (رحمه الله) در تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن»، پژوهش نامه معارف قرآنی، شماره ۲۱، صص ۱۴۳-۱۶۱.
۲۳. همتی، محمدعلی و شیروانی شیرینی، علی. (۱۴۰۱). مفهوم قرآنی احسان و اصول و کارکردهای تربیتی آن، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۱۸، صص ۹۱-۱۱۸.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامية.